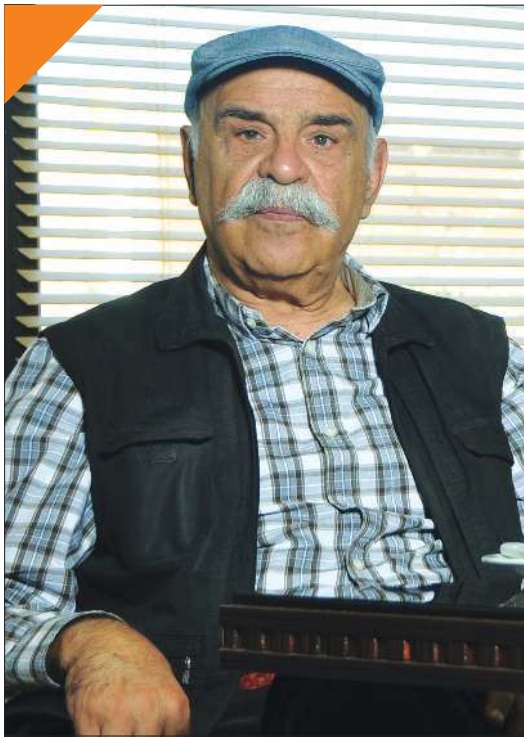


ما با توهم فراوانی زندگی کرده‌ایم!

مهدی ایرانی کرمانی

پژوهشگر فرهنگی و فعال حوزه کشاورزی



کشور ژاپن با
جمعیت ۱۳۰
میلیون نفری
و اقتصاد چند
برابری اقتصاد
ایران، جمعاً ۳۰۰
هزار کارمند دولتی
دارد، در صورتی
که ما در ایران با
۸۵ میلیون نفر
جمعیت و حجم
اقتصادی که یک
چندم اقتصاد
ژاپن است، به جز
بازنشستگان
دولت، بیش از
چهار میلیون
کارمند دولتی
داریم و به همین
نسبت مشکلات و
موانع ارباب رجوع
در دستگاه‌های
دولتی از جمله
وزارت کشاورزی،
بیشتر از کشور
ژاپن است.

کشاورزی موفق همراه با بهره‌وری بالا، دیگر یک مسئله ساده اقتصادی نیست، بلکه یک مسئله امنیتی است. زمانی که از بهره‌وری بالا صحبت می‌شود، نسبت به حجم آبی است که مصرف می‌شود، نه برخسب هکتار.

«کارل مارکس» معتقد بود که در همه جوامع، اقتصاد زیربنا است و مدنیت، فرهنگ و موارد دیگر، روبناهایی هستند که بر اساس و بر پایه ساختارهای اقتصادی ساخته و پرداخته می‌شوند. با توجه به شرایط فعلی جهان، تقریباً در همه کشورها بویژه در وضعیت کشور ما که در یک منطقه بسیار استراتژیک و ژئواستراتژیک جهان قرار گرفته است، تولید محصولات کشاورزی و غذایی زیربناست و یک مسئله ساده اقتصادی نیست، بی‌تردید یک مسئله امنیتی است و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اما مسائل و مشکلات کشاورزی اعم از منطقه‌ای و سراسری بسیار است که مسئله چگونگی حکمرانی بخش کشاورزی کشور در این میان، نقطه عطف است.

تعطیلی وزارتخانه و ادارات کشاورزی در کشور، لطمه‌ای به تولیدات کشاورزی وارد نمی‌کند

کشور ژاپن با جمعیت ۱۳۰ میلیون نفری و اقتصاد چند برابری اقتصاد ایران، جمعاً ۳۰۰ هزار کارمند دولتی دارد، در صورتی که ما در ایران با ۸۵ میلیون نفر جمعیت و حجم اقتصادی که یک چندم اقتصاد ژاپن است، به جز بازنشستگان دولت، بیش از چهار میلیون کارمند دولتی داریم و به همین نسبت مشکلات و موانع ارباب رجوع در دستگاه‌های دولتی از جمله وزارت کشاورزی، بیشتر از کشور ژاپن است. کارمندی که در دفاترشان نشسته‌اند، برای اینکه بیکار نباشند، ارباب رجوع را مثل توپ فوتیال به همدیگر پاس می‌دهند! کاملاً مطمئن نیستم ولی فکر می‌کنم وزارت کشاورزی ایران بیش از ۱۱۰ هزار نفر نیروی انسانی دارد؛ در صورتی که می‌دانیم که هر آنچه مربوط به تولیدات کشاورزی و محصولات غذایی ایران است، به دست بخش خصوصی انجام می‌شود. مرکز تحقیقات این وزارتخانه ۵۰۰۰ نفر نیرو دارد (اعداد را از حافظه نقل می‌کنم امیدوارم که خیلی دور نباشند)، این پنج هزار نفر نیرو در مرکز

تحقیقات وزارت کشاورزی چه گلی بر سر کشاورزی ایران زده‌اند؟! به خاطر دارم یکی از استانداران کرمان که از بدنه وزارت کشور انتخاب نشده بود (به عبارتی سلسله‌مراتب بخشدار، فرماندار، معاون استاندار و بعد استاندار را طی نکرده بود)، بلکه یک‌دفعه استاندار شده و بسیار آدم توانمندی بود و در بخش خصوصی خیلی موفق بود؛ این فرد بعد از مدتی که از سمتش در استانداری کرمان می‌گذشت، موضوعی مطرح کرده بود به این صورت که «می‌خواهم حدود سه چهارم از کارمندان استانداری کرمان را به خانه‌هایشان بفرستم و حقوق همه آنها را به موقع بپردازم، برای اینکه تصور بر این است که با این تصمیم، کارایی و سرعت کار اربابان رجوع و دیگر سازمان‌های دولتی بسیار تا بسیار بالاتر و بیشتر خواهد شد» البته ایشان با ساخت و ساز بروکراسی کشور آشنا نبود، طبیعتاً وزارت کشور چنین اجازه‌ای به این استاندار نداد.

تصور بفرمایید اگر با یک برنامه‌ریزی و یا حتی به صورت دفعته‌اً ادارات کشاورزی و وزارت خانه کشاورزی تعطیل شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ من مطمئن هستم که لطمه‌ای به



نگفته‌ام، اما به یک مورد چون مربوط به کشاورزی است، اشاره می‌کنم. میزان برداشت واقعی آب از چاه‌های عمیق بسیار کمتر از حد مجازی است که در پروانه‌ها ذکر شده است و این مسئله منحصر به استان کرمان نیست. برنامه‌ای بود که تمام چاه‌هایی که مجوز قانونی دارند را مجبور کنند که کنتور حجمی نصب کنند. کاری که باید ۳۰ یا ۴۰ سال پیش انجام می‌شد. البته این قانون مشمول ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار چاهی که فاقد پروانه هستند، نمی‌شود. هزینه نصب کنتور حجمی حدود ۲۰ میلیون تومان است. زمانی که میزان برداشت واقعی از چاه کمتر از دبی مجاز است چه ضرورتی داشت و دارد که بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان پول از جیب کشاورز و باغدار بیرون بکشند و صرف این کار مطلقاً بیهوده بکنند، درواقع عده‌ای کنتورساز یا واردکننده کنتور داریم که پسرخاله‌های یک کسانی در وزارتخانه هستند و آن‌ها متمتع می‌شوند و هر چه کشاورزان دادوفریاد بزنند که این کار بیهوده است، فایده ندارد چون وزارتخانه قدرت این را دارد که چاه کشاورز را پلمپ کند!

ما با توهم فراوانی زندگی کرده‌ایم

وسعت کشور هلند به‌اندازه سه استان شمالی کشور

تولیدات کشاورزی نخواهد خورد. در مورد وزارت نیرو و وزارت صنعت نیز همین‌طور؛ به عبارتی هرکجا که برویم آسمان همین رنگ است!

میانگین مثبت کار بیش از چهار میلیون کارمند دولت به زیر ۱۰ درصد می‌رسد. اشتباه نشود، منظور این است که ما ۱۲۰ هزار نفر کارمند در وزارت کشاورزی یا چهار میلیون کارمند دولت به‌استثنای وزارت آموزش و پرورش مازاد داریم. وزارتخانه آموزش و پرورش هرچقدر نیرو از جمله دبیر، آموزگار و ... داشته باشد بهتر است؛ برای اینکه این وزارتخانه در حال پرورش نسل‌های آینده می‌باشد. مسئله‌ای که اهمیت دارد این است که کارمندان دولت هموطنان ما هستند، زن، شوهر و بچه دارند و بابت کاری که انجام می‌دهند یا نمی‌دهند باید معیشت خانواده را تأمین کنند. ما هرگز قصد توهین یا نان‌نری از آن‌ها را نداریم. همه آن‌ها آدم‌های شریف و با وجدانی هستند، ولی نظام مدیریتی و نظام حکمرانی ما غلط است، چون این نظام این انسان‌ها را در یکجایی سرکار گذاشته است و واقعاً سر کار گذاشته!

نصب کنتور حجمی برای چاه‌های دارای مجوز، برای گروهی منفعت دارد

بنده راجع به فساد و رانت در دستگاه‌های دولتی چیزی

اما چه باید کرد؟ به اعتقاد من: از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم / مرحمت فرموده ما را مس کنید
ما از جلال، جبروت و بزرگی وزارت کشاورزی کشور خیری ندیده‌ایم، خواهش می‌کنم آن را کوچک کنید. با بهره‌گیری از کارآمدی بالای نیروهای ژبده، تحصیل کرده و میدان‌دیده؛ کسانی که به‌جای اینکه در پشت میزشان در دفاترشان بنشینند، به‌طور میانگین روزی پنج شش ساعت در مزارع، در باغ‌ها، بین گل‌های گوسفندان و ... حضور پیدا کنند و از نزدیک در میدان با مسائل و مشکلات آشنا شوند.

دوم، به اعتقاد من، ما باید بهره‌وری را برحسب مترمکعب آب بسنجیم، نه برحسب هکتار؛ به عبارتی باید قانون و قاعده‌ای برقرار شود که هر کشاورزی به ازای هر مترمکعب آب، حداقل از هر محصولی از جمله پسته، خرما و یا سایر محصولات کشاورزی را تولید کند، در غیر این صورت، وزارت نیرو یا وزارت کشاورزی اول اخطار بدهد، بعد تنبیه کند و بعد از آن، واحد کشاورزی را که بهره‌وری مطلوبی ندارد، تعطیل کند. چون در اینجا آب یک متاع ملی و امنیتی است، نه ملک شخصی کسان یا واحدهای جمعی.

سوم، به اعتقاد من، ما باید الگوی کشت، الگوی غذایی کشور را عوض کنیم؛ ببینید برای تولید یک کیلو گوشت گاو ۱۵ مترمکعب آب مصرف می‌شود، در صورتی که تولید پروتئین‌های گیاهی بسیار تا بسیار آب کمتری را مصرف می‌کند.

چهارم، مسئله توسعه کشاورزی در کرمان باید محدود شود، بیشتر از این مقداری که الان محدود شده است. در عوض ما فقط باید به توسعه گلخانه‌ها پردازیم و این از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کارهاست، مخصوصاً در اقلیم‌های گرمسیری. برای این منظور بایستی در کرمان حدود ۱۰ هزار هکتار گلخانه مدرن بسازیم، تأکید می‌کنم مدرن و با دانش روز. از کشور هلند یاد بگیریم، ببینیم آن‌ها چه کرده‌اند ما هم از آن‌ها الگوبرداری کنیم. علاوه بر کشت گلخانه‌ای، ما باید به توسعه، کاشت و تولید محصولات معطر و گیاهان دارویی پردازیم؛ اقلیم کرمان، مخصوصاً مناطق کوهستانی آن و البته خشکی هوا مناسب‌ترین اقلیم برای تولید باکیفیت بالای چنین محصولاتی است.

ما جایی برای توسعه کشاورزی جز در همین مواردی که عرض کردم، نداریم. در این بخش باید به سمت صنعتی شدن، آن‌هم صنایع مدرن، استارت‌آپی و آی تی برویم. در پایان مجدد تأکید می‌کنم که هرچند ما باید به سمت وسوی صنعتی شدن مدرن برویم، اما هرگز نباید از تولید محصولات غذایی و استفاده علمی و غفلاهی از آب موجود غفلت کنیم، این مسئله یک مسئله امنیتی است. ♦♦

ماست، پس از ایالات متحده آمریکا، کشور هلند با این مساحت کم، دومین تولیدکننده محصولات کشاورزی دنیا است. واقعاً در این کشور چه کاری انجام شده که به چنین دستاوردی رسیده است؟ مرکز تحقیقات کشاورزی کشور ما چقدر دانش فنی، روش تولید و ابزار تولید را از هلندی‌ها یاد گرفته و به کشاورز ایرانی منتقل کرده است؟ دانشکده‌های کشاورزی ما در این مورد چه کاری انجام داده‌اند؟!

در ایران میانگین برداشت پسته در هکتار ۷۰۰ کیلو یا کمتر است و در آمریکا چهار برابر کشور ماست. البته ما در ایران باغدارانی مثل «مهندس علی هجری در رفسنجان» و «حاج اکبر نام‌آور در خراسان» و بی‌تردید باغداران معدود و انگشت‌شمار دیگری داریم که بیش از هشت تن پسته خشک در هکتار برداشت می‌کنند. چرا مرکز تحقیقات وزارت کشاورزی در کشور ما، راز و رمز چنین موفقیت عملی را کپی نکرده و به اطلاع بقیه باغداران نرسانده است؟ همیشه هم نباید انگشت شمات را به‌سوی ادارات دولتی دراز کرد، ما باغداران هم گناهکاریم ما بر اثر ارزانی برق و سایر حامل‌های انرژی، اسراف کار شده‌ایم. اصلاً با صرفه‌جویی هیچ رابطه‌ای نداریم و نمی‌دانیم و نه علاقه به یاد گرفتن آن داریم. ما با توهم فراوانی زندگی کرده‌ایم؛ در صورتی که همه می‌دانیم این روزها آب نه فقط کمیاب بلکه نایاب است. ما بهره‌برداران به همراه سوء مدیریت مدیران وزارت نیرو گناهکاریم!

چه باید کرد

در مجموع، اولاً نحوه حکمرانی و مدیریت امور در وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو غلط است. در این مورد چیز بیشتری را نمی‌گویم. باغداران و کشاورزان ما در ایران و در کرمان، فرهنگ صرفه‌جویی در آب و بالا بردن بهره‌وری را ندارند. ما اصلاً با موضوع بهره‌وری بیگانه‌ایم. دولت باقیمت‌های دستوری و ممنوع کردن صادرات برخی ارقام نقش بسیار مخربی در کشاورزی دارد. اگر خاطرتان باشد چند سال پیش معاون رییس‌جمهور، صادرات خرما را ممنوع کرد، ایشان نمی‌دانند که اگر یک صادرکننده‌ای که موفق شده است تا یک رابطه بازرگانی مناسب و مطلوب با یک واردکننده‌ای در کشور ایجاد کند، اگر بنا به دستور، او را از ارسال کالا به آن کشور محروم کنند، او باید پنج برابر بیشتر زحمت بکشد تا دوباره در آن کشور یک واردکننده را پیدا کند تا محصولات را از او بخرد. منابع زیرزمینی آب از طرف ۷۰، ۸۰ سال گذشته غارت کرده‌ایم و الان با کمبود آب مواجه هستیم.

ما از جلال،

جبروت و بزرگی

وزارت کشاورزی

کشور خیری

ندیده‌ایم،

خواهش می‌کنم

آن را کوچک

کنید. با بهره‌گیری

از کارآمدی بالای

نیروهای ژبده،

تحصیل کرده و

میدان‌دیده؛

کسانی که

به‌جای اینکه در

پشت میزشان

در دفاترشان

بنشینند، به‌طور

میانگین روزی پنج

شش ساعت در

مزارع، در باغ‌ها،

بین گل‌های

گوسفندان و ...

حضور پیدا کنند

و از نزدیک در

میدان با مسائل

و مشکلات آشنا

شوند.